

یادداشت سردبیر



مسعود
تهرانی فرجاد

سلامت و امنیت؛ سرچشمه حیات کودک



حقوق کودکان از اساسی‌ترین مسائل مربوط به تعلیم و تربیت ایشان است. کشورهای جهان در قوانین مربوط به حقوق کودکان به‌طور متفاوت تصمیم‌گیری کرده‌اند، اما یکی از حقوق اساسی و مشترک ویژه کودکان به‌زعم همگان، برخورداری از «امنیت» و «سلامت» جسم و روان است. این حقوق در آموزه‌های دینی و حتی کنوانسیون‌های جهانی در تعبیر مختلف آمده است. حتماً این جمله نورانی و راهبری منسوب به پیشوایان دینی را شنیده و خوانده‌ایم که دو نعمت برای انسان پنهان و مجهول هستند و زمانی به ارزش و اهمیت آن‌ها پی می‌بریم که از دستشان بدهیم. این دو نعمت عبارت‌اند از: سلامت و امنیت.

این نگرش در دوران کودکی از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است، زیرا کودکان نسبت به بزرگ‌ترها توان دفاع و مراقبت

کمتری دارند؛ به‌ویژه اینکه در اوان کودکی و سنین اولیه باشند. مراقبت از کودکان و اهتمام به این امر از اساسی‌ترین حقوق کودکان است. در سیرهٔ خوبان و راهنمایان حقیقی انسان‌ها، یعنی معصومین (علیهم‌السلام)، بر اهمیت تعلیم و تربیت کودک تا جایی تأکید شده است که دوران کودکی در هفت سال اول را دورهٔ سیادت و آقایی او می‌دانند. همچنین در تعامل با کودک باید به ظرفیت‌ها و آزادی عمل او توجه کرد.

رسول مهربان و گرامی اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابْ لَهُ»؛ هر کس کودک دارد، با او کودک‌داری کند. این حدیث نورانی سخنی راهبردی و مهم در تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. مولوی این کلام ارزشمند را در شعری مشهور این‌گونه تبیین کرده است:

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد
پیامبر عزیزمان به کودکان احترام می‌گذاشتند. هنگام بازی به آرامی از کنار آن‌ها عبور می‌کردند، تا مزاحم لحظات شادی و نشاط آنان نشوند. حتی گاه با کودکان هم‌بازی می‌شدند. این روحیه بیانگر توجه به امنیت و آرامش کودک است. سبقت در سلام کردن پیامبر اکرم (ص) به دیگران به‌ویژه به کودکان نیز مؤید این اخلاق نیکوی ایشان است. به‌خوبی می‌دانید که سلام کردن نشانهٔ دوستی، احترام، علاقه و آرزوی سلامتی و آرامش فرد مقابل است. در مکتب معصومین (علیهم‌السلام) این رفتار اجتماعی پسندیده آن قدر اهمیت دارد که دادن جواب سلام را واجب می‌دانند.

نقطهٔ مقابل این نگرش آن دسته از انسان‌هایی هستند که نه تنها به سلامت و امنیت کودکان توجه ندارند، بلکه با رفتارهای خشونت‌آمیز از آنان سلب آسایش می‌کنند. تا آنجا که دستشان به خون کودکان بی‌گناه و مظلوم آغشته می‌شود. از نمونه‌های بارز رفتارهای این‌گونه انسان‌نماها، کشتن کودکان بی‌پناه و معصوم در گوشه و کنار جهان، از جمله ایران عزیزمان است. شهادت مظلومانة کودکان در چند دههٔ گذشته، به‌ویژه در اماکن متبرکه، به‌راستی دردناک است. ما مدبران، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودک وظیفه داریم، با مطالبه و برنامه‌ریزی، زمینه‌های سلامت و امنیت کودکان را فراهم آوریم و با آگاهی‌بخشی به یکدیگر، مسیر رشد و تعالی خود و همکاران را در زمینهٔ تربیت مبتنی بر معارف ناب معصومین (ع) و یافته‌های مطلوب علمی و تجربی هموار سازیم. آگاهی ما از وظایف و مأموریت‌های اصیل و اساسی‌مان، به‌عنوان مربیان بنیادی‌ترین دورهٔ تربیت انسان، یعنی اوان کودکی، اقتضا می‌کند که با محکوم‌کردن متعرضان به حقوق کودکان، آن‌هم تعرض به اساسی‌ترین حقوق ایشان، یعنی سلامت و امنیت، مرز و جایگاه انسانی و حرفه‌ای خود را با چنین انسان‌نمایی معلوم کنیم.

به امید روزی که کودکان سراسر جهان در نهایت سلامت و امنیت، آینده‌ای روشن و دارای نشاط پایدار داشته باشند.

منابع

1. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه.
2. مولوی، دفتر هفتم مثنوی معنوی.